

جهانی شدن و اصلاح اداره امور عمومی

کشورهای در حال توسعه

(Daren Zhou)

ترجمه محمد رضا طالب زاده

چکیده

این مقاله به مشکلات چالش‌ها و چشم اندازهایی می‌پردازد که کشورهای در حال توسعه در زمینه اداره امور عمومی در روند جهانی شدن با آن رو به رو هستند و از سه جنبه روابط میان آنها را بررسی می‌کند. ابتدا تأثیر جهانی شدن بر اداره امور عمومی ارائه شده است. جهانی شدن موضوع چندگانه‌ای رابه اداره امور عمومی وارد کرده آن را پیچیده تر ساخته، استفاده از اینترنت راسرعت بخشیده و باعث کامپیوتری شدن وسایل و ابزارهای اداره امور عمومی شده است. همه این عوامل باعث می‌شود که توقع مردم از کارکنان دولت بیشتر شود. در مرحله دوم برخی از اقداماتی که باید در امر جهانی شدن اداره امور عمومی صورت پذیرد ارائه شده است مانند: بهبود قوانین و مقررات، بسط حقوق دموکراتیک، تغییر وظایف دولت، معرفی سازوکار رقابت، ترغیب به منظور افزایش منزلت کلی کارکنان دولت، و مانند آن. در آخر، به این مسئله اشاره شده که جهانی شدن شمشیری است دو لبه، جهان امروز از یک سو به سمت جهانی شدن و از سوی دیگر به سمت چند قطبی شدن پیش می‌رود. کشورهای در حال توسعه نباید فقط مقدار کمیکی کشورهای غربی باشند بلکه باید بربط واقعیات موجود خود روش خویش را انتخاب کنند.

مقدمه

نقش فعال‌تری در جهان عهده دار شویم»، به وضوح، دولتها و متفکران کشورهای در حال توسعه وظيفة خطیری در ارتباط با چگونگی اصلاح اداره امور در متابول روند جهانی شدن به عهده دارند.

مفهوم جهانی شدن، پس از اینکه در دهه ۱۹۸۰ در رسانه‌های غربی ظاهر شد در سطح جهان گسترش یافت. دبیر کل سابق سازمان ملل متحد، پتروس غالی، در دهه ۱۹۹۰ اعلام کرد: «تمامی جهان به عصر جهانی شدن وارد شده است»، جیانگ زمین طی نطقی در پانزدهمین کنگره ملی حزب کمونیست چین (CPC) اعلام کرد: «ما باید در تقابل با روند جهانی شدن توسعه اقتصادی، علمی، و فنی

باعث شده تاهمه کشورها به یکدیگر متکی و بر یکدیگر تأثیر گذارند. جهانی شدن تغییرات اساسی در بسیاری از زمینه‌ها از جمله اقتصاد جهانی، سیاست امور نظامی، فرهنگ، علم و فناوری و آموزش و پژوهش را در برداشته است. در همین حال، جهانی شدن تغییراتی نیز در روش‌های تولید، زندگی و تفکر حاصل کرده است. جهانی شدن به طور قطع تاثیر بسزایی بر اداره امور عمومی بسیاری از کشورها دارد.

۱- جهانی شدن مباحث جدیدی را به اداره امور عمومی اضافه کرده است.

جهانی شدن منطقه‌ تشکیلات موجود در آن را در اقتصاد جهان تقویت کرده است، پیدایش و گسترش سازمان بین‌المللی و شرکت‌های فراملی را به جلو رانده است. نهاد اداره امور عمومی چندگانه از قبیل سازمان‌های بین‌المللی نظیر سازمان ملل و کشورهای مستقل، همچنین سازمان غیردولتی و شرکت‌های چند ملیتی را تشکیل داده است. در نتیجه ورود موضوع‌های جدید به اداره امور عمومی جهانی، اداره امور فراملی و بین‌المللی به وجود آمده است.

۲- جهانی شدن، هدف‌های اداره امور عمومی را پیچیده‌تر کرده است.

جهانی شدن رابطه کنش متقابل، تأثیر متقابل و وابستگی متقابل بین کشورهای مستقل، انواع سازمان‌های بین‌المللی و بین سازمان‌های ملی و بین‌المللی را خلق می‌کند. به همین دلیل است که ارتباطات اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی، آموزشی و فناوری بیشتر شده است. پیامد این امر تخصیص مجدد منابع اداره امور، چندگانگی در هدف‌های اداره امور و پیچیدگی وظيفة مدیریت ملی و خدمات عمومی است.

تأثیر جهانی شدن بر اداره امور عمومی جهانی شدن چیست؟

جهانی شدن، که مرکز ثقل آن جهانی شدن اقتصاد است، روندی اجتناب ناپذیر از توسعه اقتصاد جهان و مرحله جدیدی از توسعه بخش اقتصاد در سطح بین‌المللی است. جهانی شدن اقتصاد به چرخه جهانی و تخمین منابع اقتصادی شامل سرمایه‌ها، فناوری‌ها، کالاهای نیروی کار و غیره اطلاق می‌شود که از مرازهای هر کشور نیز می‌گذرد. این امر باعث شد که اقتصاد بسیاری از کشورها متقابلاً بازتر و وابسته‌تر به یکدیگر شود و توسعه اقتصادی این کشورها و تمامی جهان متقابلاً بر یکدیگر تأثیر گذاشته و کنترل شود. در همین راستا است که اقتصاد جهانی حیات می‌باشد. به قول کارل مارکس، اقتصاد کالا تنها بین‌المللی نیست بلکه جهانی است.

با ظهور انقلاب سوم علمی و انقلاب فناوری و پیشرفت‌های قابل توجه در زمینه فناوری ارتباطات، اطلاعات و اینترنت، اطلاعات به راحتی می‌تواند بدون مانعی فضای را در نوردد. در نتیجه مسیر جهانی شدن هرچه سریعتر پیموده می‌شود. با سریع‌تر، نزدیک‌تر و وسیع‌تر شدن ارتباطات بین‌المللی، جهان چنان کوچک شده که آن را «دهکده جهانی» می‌نامند.

جهانی شدن نوعی فرایند اجتماعی است که طی آن انسان جهت دستیابی به ارتباط اثر بخش و رسیدن به اعمال دیدگاه‌های همسو در سطح جهانی پیوسته بر موانع مکانی و اجتماعی در سازمان و فرهنگ غالب می‌شود. این روند جهانی شدن مسلماً برگشت ناپذیر به سرعت در حال پیشرفت است و هیچ کشوری نمی‌تواند از حیطه قدرت آن خارج شود.

امروزه تأثیر جهانی شدن به طور فزاینده‌ای رو به گسترش است. از میان روابط بین‌المللی نوین هیچ یک بر جسته تر و متمایز تر از جهانی شدن نیست. جهانی شدن

۵- جهانی شدن، کیفیت برتر دولت‌ها و کارکنان را می‌طلبد.

به منظور همسویی با نیازهای جهانی شدن و انقلاب فناوری در عصر کامپیوتر و ارتباطات، قانون اساسی و نظام عملکرد باید متحول شود و لازم است در نظام و نهاد مربوط هر دو، نوآوری صورت گیرد. علاوه بر آن، در جهان بینی کارکنان دولت نسبت به اداره امور نیز باید بازنگری عمیقی صورت پذیرد. کارکنان دولت باید برخوردار از تفکر جهانی، هوشیار برای انجام اصلاحات و خلاقیت باشند.

۶- جهانی شدن، مرزهای ملی و حاکمیت‌ها را مبهم‌تر می‌کند و لذا عواملی را فراهم می‌کند که به ناپایداری جهانی می‌انجامد.

نیروهای قومی سنتی و گروه‌های مذهبی از این بینناک اند که موقعیت تاریخی، زبان، رسوم و فرهنگ خود را از دست دهنند. لذا اختلافات قومی و برخوردهای مذهبی ثبات جهانی را به مخاطره می‌اندازد.

اصلاح اداره امور عمومی در روند جهانی شدن

در روند جهانی شدن، هدف‌های اداره امور پیچیده‌تر و مشکلات مالی افزایش می‌یابد. از این گذشته، خدمات اطلاعاتی اینترنت توسعه می‌یابد و تنظیم ساختار اقتصادی به اجرا در می‌آید. موارد فوق دولت‌ها را به اجرای اصلاحات در زمینه اداره امور عمومی وامی دارد. دولت‌های برخی از کشورهای توسعه یافته، به واگذاری برخی از وظایف اقتصادی و اجتماعی دولت به جامعه و

۳- جهانی شدن به استفاده از اینترنت سرعت بخشیده و به کارگیری کامپیوتر را در اداره امور عمومی رواج داده است.

جهانی شدن و انقلاب فناوری اینترنت بر توسعه یکدیگر تاثیر می‌گذارند و باعث ارتقای آن می‌شوند. استفاده از اینترنت در اداره امور، تجارت و آموزش و پرورش، کاربرد تجارت الکترونیک و پست الکترونیک روش‌های سنتی اداره امور را به نحو بارزی تغییر داده است. وقوع این انقلاب در امر مدیریت امور و خدمات بازدهی اداره امور عمومی را افزایش داده است.

۴- با اینکه جهانی شدن باعث پیشبرد توسعه اجتماعی و اقتصاد جهانی شده است، معضلات جدیدی نیز به همراه داشته است.

برای مثال، از دیدگاه محیط زیست، سوراخ شدن لایه اوزون، باران‌های اسیدی، پیش روی بیابان‌ها، گرم شدن جهان، تخریب محیط زیست، و کمبود منابع در سال‌های اخیر به چشم می‌خورد. در زمینه توسعه اجتماعی نیز گسترش بیش از حد جمعیت، اختلاف طبقاتی، بحران‌های مالی، شعله ور شدن جنگ‌های منطقه‌ای به دلیل اختلافات قومی، مذهبی و قلمروی گسترش انواع جنایات مانند قاچاق و استفاده از مواد مخدر، قمار، فحشا، تروریسم و دیگر موارد نقض حقوق بشر در حال حاضر در جهان وجود دارد. تمامی موارد یاد شده چالش‌هایی در فراسوی اداره امور عمومی به وجود می‌آورد که باید با همکاری و کار طاقت فرسای تمامی نهادهای اداره امور در جهان حل و فصل شوند.

بین المللی، و دیگر مشکلات را باید طبق قوانین مشترک و روش هایی خاص مرتفع کرد. بعضی از قوانین بین المللی، قراردادها، و مقررات رایج منسخ شده اند و با نیازهای جهانی شدن منطبق نیستند، از این رو دولت ها براساس حفظ استقلال و امنیت کشورهای متبع خویش باید با مذاکره به وضع قوانین و مقررات جدید پردازند و قوانینی را که کاملا حافظ منافع کشورهای در حال توسعه باشد به مرحله اجرا درآورند.

کشورهای در حال توسعه در ابتدا باید کیفیت وضع قوانین خود را افزایش دهند. دولت های این کشورها منافع اکثریت را به عنوان یک اصل اساسی در نظر گیرند، بدین صورت که بیان کننده اراده و خواست عموم باشند، قوانین و مقررات فعلی را طبق فرایند جهانی شدن اصلاح و تنظیم کنند، قوانین کهن را ملغی و نظام قانونی کاملی که مطابق با نیازهای جهانی شدن باشد برقرار کنند.

در کشورهای در حال توسعه به دلیل تأثیر فردسالاری طولانی گذشته گرایش به حاکمیت فرد وجود داشته و حاکمیت قانون در آنها ضعیف است. لذا دولت و کارمندان در کشورهای در حال توسعه باید به تقویت حاکمیت قانون بیندیشند، دیدگاه ها، عادات و روش های کاری مهجوری را که با جهانی شدن مطابقت ندارد عوض کنند و به افزایش توان اداره امور تحت نظارت قانون بیندیشند. آگاه بودن از قوانین نه فقط آشنایی با اجرای قوانین و مقررات داخلی است بلکه مطلع بودن از قوانین و مقررات بین المللی را نیز شامل می شود. آنها باید بدانند چگونه از لحاظ قانونی به موضوعات بین المللی و موضوعات داخلی، امور اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی پردازند.

اگر کشورهای در حال توسعه خواستار حکومت قانون و اجرای آن هستند باید اطمینان حاصل کنند که قوانینی وجود دارد که از آن اطاعت کنند. این قوانین باید قویاً به

بازار اقدام می کنند تا بدینوسیله کارکنان اداری به تبع آن بار مسئولیت دولت را کاهش دهند. در تعارض بین نیاز فزاینده خدمات عمومی و حمایت مالی کاهنده دولت، کشورهای غربی به منظور یکپارچگی قدرت اداری دولت با تخصیص بازار، نظام بازار را در خدمات عمومی معرفی کرده و بدینوسیله بازدهی دولت را افزایش داده اند. در نتیجه این اصلاح عملکرد، دولت از مراقب به میانجی اجتماعی فعال و از میانجی به خدمتگذار تبدیل شده است. جهانی شدن به عنوان یک قدرت فرا ملی چالشی است جدی در مقابل اداره امور عمومی کشورهای مستقل و تهدیدی است برای کشورهای در حال توسعه که قادر قدرت اداری هستند و توانایی ایجاد نظام اداره امور علمی و قانونی راندارند. در عین حال فرصتی طلایی است برای جامعه و اقتصاد کشورهای در حال توسعه کارآمد که می توانند این روند را دنبال کنند و با جدیت به اصلاحات بپردازند.

لذا در این روند جهانی شدن، اگر کشورهای در حال توسعه بخواهند از این فرصت جهت توسعه اقتصاد خود بهره بجوینند باید دید خود را در زمینه اداره امور تغییر دهند و به اصلاح اداری عمومی، عمیق تر بیندیشند تا بتوانند نظام اداره امور عمومی استاندارد و کارآمدی را با عملکردی یکنواخت به دست آورند.

۱- تکمیل قوانین و مقررات و اداره امور با وضع قوانین

کشورهای مستقل سازمان های بین المللی، و شرکهای فرامملی در فرایند جهانی شدن از دیدگاه اداره امور بین الملل باید مشکلات مشترک زیادی را حل و فصل کنند. برای نمونه تأسیس بازار متحده جهانی، حفاظت از محیط زیست، امنیت جهانی، همکاری در آموزش فناوری ها و بهره برداری از آنها، فقرزادایی، مهاجرت

۳- تغییر وظایف دولت و تقویت روحیه همکاری

جهانی شدن، رقابت در سطح بین المللی را تشدید می کند، رقابتی که هدف آن کسب موقعیتی برتر برای توسعه اقتصادی کشور است؛ متعاقب فرایند جهانی شدن، قالب سازمان اجتماعی و زندگی دگرگون می شود و به طور طبیعی دولت مجبور است مدیریت خود را افزایش دهد. لذا مدیریت اداره امور نوین پیچیده تر می شود و روش خاصی پیدا می کند. در چنین شرایطی، توجه بیشتری به خدمات و اثربخشی برای دوره ای خاص پیدا می شود. در کشورهای در حال توسعه که عملکرد عمده آنها سازماندهی و هدایت اقتصاد ملی است توجه به اداره امور باید بر ساختن اقتصاد و توسعه اجتماعی متمرکز باشد و وظایف دولت در راستای تنظیم اقتصاد، اداره جامعه و خدمات عمومی متمرکز شود. از این رو دولت باید وظایف اداره امور را تفکیک کند و سرمایه گذاری و عملیات بازرگانی را از اداره امور، سیاست را از موسسه، و سیاست را از جامعه مجزا کند. دولت باید قدرت را به رده های پایین تر واگذارد و برنامه ای ارائه کند که سازمان سرمایه گذاری کوچک در سطح محلی آن را به اجرا در آورد. دولت باید یکه تاز صحنۀ قدرت باشد بلکه باید به وظایف خطیرتری بیندیشد که به وضعیت کلی جامعه مربوط می شود مانند پایه ریزی اقتصاد و توسعه اجتماعی. دولت در فرایند ارائه خدمات به بخش اقتصاد و جامعه و ضرورت جهانی شدن، باید وظیفه پاروزنی خود را رها کند و وظیفه «سکان داری» را برگزیند. فعالیت اقتصادی دولت نیز باید تغییر یابد : از مدیریت اقتصاد خُرد به نظارت اقتصاد کلان، از در دست گرفتن مدیریت تولید به هدایت سازمان، و از گرفتن ابزار اداره امور، به در دست گرفتن اقتصاد و قانون (به عنوان عامل تعیین کننده). دولت برای تغییر در سمت و سوی وظایف خود باید به معروفی

اجرا در آیند، قانون شکنان باید مجازات شوند، و آحاد مردم در مقابل قانون یکسان باشند.

۲- گسترش چشم انداز دموکراسی و اجرای دموکراتیک قوانین

جهانی شدن، فرایند دموکراسی را نیز به پیش می راند. در فرایند جهانی شدن، کشورهای در حال توسعه باید مردم را در به کارگیری قدرت اداره دولت راهنمایی و هدایت کنند. این نظریه سنتی اداری را که می گوید: «قانون ممکن است به طریقی دموکراتیک تدوین شود اما اداره امور باید متمرکز باشد» باید کنار گذاشت. دامنه مشارکت شهروندان در امور اجرایی باید گسترش یابد. این روش موفقی در جهت بازسازی وجهه دولت و افزایش کارآیی اداره امور است.

دولت با گسترش مردم سalarی باید بخشی از قدرت اجرایی را به بخش خصوصی تفویض کند و فرصت بیشتری در جهت شرکت در اداره امور عمومی و اداره موضوعات اجتماعی و ملی در اختیار آن قرار دهد. دولت باید انتخابات مردمی برگزار کند، تصمیمات و سیاستگذاری ها مردمی باشد، نظارت و مدیریت مردمی را نهادینه کند، و حقوق و آزادی مشروع مردم و به خصوص حقوق بشر را تصمیم کند. امور باید به صورت باز و شفاف اداره و عملیات جعبه سیاه کنار گذاشته شود. موضوع های مهم باید به مناظره گذاشته شود و مردم راجع به آنها تصمیم بگیرند. این روش مؤثری برای اجتناب از دیوانسالاری و از میان بردن فساد است.

دولت باید قلمرو مردم سalarی را در سطح توده های مردم گسترش دهد و نیز به شهروندان اطمینان دهد که اداره امور خصوصی و رفاه آنها طبق قانون به مورد اجرا درمی آید و مردم بر کار مسئولان اجرایی، نظارت می کنند.

۵- بهره‌گیری از سازوکار رقابت و بهبود سطح دانش کارکنان دولت

جهانی شدن توان کارکنان دولت یا کارکنان کشوری را به مبارزه طلبیده است. هم اکنون پایین بودن سطح علمی کارکنان کشوری کشورها به طور جدی کارآیی اداره امور دولت را تحت تاثیر قرار داده است و توسعه یافتنی را کند می‌سازد. حل این معضل اهمیت بسیاری دارد.

استعداد، اولین موضوعی است که در حوزه رقابت داغ جهانی شدن تجلی پیدا کرده است. دولت باید اصلاح نظام کارکنان را گسترش دهد و افرادی را انتخاب کند که دارای بینش نظری، دانش، آگاهی از مسائل جهانی و نظریاتی بدیع هستند. بر طبق اصل برابری، رقابت، و انتخاب اصلاح، دولت باید کارکنان کشوری را به حد کمال برساند و آزمون و امتحان را ترکیب کند تامین‌کننده افراد انتخاب شوند. دولت موظف است مدیریت کارکنان دولت را ارتقا بخشد، مسئولیت‌های آنها را بررسی کند. روشن است که ارتقا و تنزل سمت کارکنان محرك جدی برای رقابت محسوب می‌شود، آنان را به کار سخت تشویق می‌کند و موجب بهبود نحوه انجام وظیفه آنان می‌شود؛ با به کارگرفتن این سیاست کارمندان دولتی نمونه‌ای را در سطح تشکیلات دولت خواهیم داشت.

دولت موظف است آموزش کارکنان کشوری را ارتقا بخشد، ساختار دانش آنها را به روز کند، روحیه حرفه‌ای را در آنها تقویت کند و توان اجرایی آنها را بهبود بخشد. دولت موظف است نظامی دقیق براساس کنش متقابل انصراف عزل، و بازنیستگی به وجود آورد تا بدینوسیله انرژی فعالیت طبقه کارمند دولت تقویت شود. در نتیجه کارمندان متخصص و کارآمد اداره امور تربیت خواهند شد که می‌توانند نیازهای جهانی شدن را برآورده سازد.

ساز و کار بازار پرداز و شرایط اداره امور را که می‌تواند از طریق بازار تنظیم و تخصیص یابد و اگذار کند.

۴- کاهش تصدی سازمان دولت و بهبود کارآیی خدمات

از آنجا که در کشورهای در حال توسعه نظام اقتصاد بازار برقرار نشده است، دولت به صورت قدرت مطلق تجلی پیدا می‌کند و به تبع پدیده‌های جدیدی نمایان می‌شود مانند: سازمان دست و پاگیر و فاقد کارآیی، کارکنان اضافی، اخراج، تفكیک نشدن وظایف دولت از وظایف شرکت‌ها، دیوانسالاری شدید، رشوه خواری، و کارآیی اندک، همه موارد فوق از معضلات مشترک سازمان اداره امور هستند که نه تنها بار مالی سنگینی برای دولت دارند بلکه فساد و رشوه خواری را در میان افرادی که از مزیت‌های خاصی برخوردارند رواج می‌دهند.

با پیشرفت فرایند جهانی شدن، هر کشوری به اصلاح اداری خود روی آورده است. دولت چین اصلاحات را از مجمع دولت و پس از آن از بالا به پایین و به نحو منظمی آغاز کرد و به نتایج مثبتی دست یافت. پس از پایان یافتن اصلاحات در مجمع دولت بنا به اقتضای اقتصاد بازار سوسيالیستی، کشور چین سعی می‌کند اصلاحات را به تمامی رده‌های سازمانی گسترش دهد. دولت به منظور تغییر وظایف باید رابطه میان شرکت، جامعه، ضوابط اخلاقی و خود را پویا کند، سازمان دولت را بر طبق مسئولیت و قدرت هماهنگ تنظیم نماید، و مسئولیت‌ها و وظایف را تقسیم کند. به دنبال اصل ساده سازی، یکنواختی، کارآمدی، در امر اصلاحات، دولت به منظور کامل سازی نحوه ارائه خدمات باید نظام اداری واقعاً کارا و کاملاً استاندارد و هماهنگ شده‌ای را ایجاد کند.

با این وصف، به دلیل اینکه کشورهای توسعه یافته غرب شرایط حاکم بر پیشرفت جهانی شدن و اداره امور سازمان‌های بین‌المللی و شرکت‌های فرامملی را کنترل می‌کنند و از این امکان برخوردارند تا از جهانی شدن به عنوان وسیله‌ای جهت تسلط یافتن بر جامعه بین‌الملل استفاده کنند، توسعه جهانی از کنترل حاکمیت ملی فراتر رفته است و قدرت کشوری اداره امور را به چالش می‌خواند، و حاکمیت ملی دیگر کشورها را تهدید می‌کند. از این رو در فرایند جهانی شدن، کشورهای در حال توسعه باید آگاهی هوشمندانه‌ای نسبت به درگیری‌ها و برخوردها در جامعه بین‌المللی داشته باشند و سیاست‌های صحیحی اتخاذ و از استقلال اداره امور کشوری محافظت کنند؛ در این صورت کشورهای در حال توسعه می‌توانند خود را تقویت و حفظ کنند و از «غربی شدن» و «تقسیم شدن» در روند رقابتی فزاینده‌ای که در پیشرفت جهانی شدن وجود دارد دوری گزینند.

برای به اجرا در آوردن اصلاح نظام و حرکت اداره امور عمومی کشورهای در حال توسعه اول باید سابقه تاریخی، رسوم فرهنگی، شرایط واقعی، ویژگی‌های ملی خود را در نظر بگیرند و از تجربه نظام اداره امور عمومی کشورهای توسعه یافته به عنوان مرجع استفاده کنند و دستاوردهای نظری نوین اداره امور عمومی را فراگیرند تا بتوانند نهایتاً نوع جدیدی از اداره امور عمومی را شکل دهند که هم با تقاضای پیشرفت جهانی شدن و هم با استقلال اداره امور کشور خودشان سازگار باشد تا بدینوسیله عزت و استقلال ملی را حفظ کنند، معیار مدیریت دولت و خدمات را ارتقا دهند و جایگاه بین‌المللی خود را بهبود بخشنند. درحال حاضر اگر کشورهای در حال توسعه بدون در نظر گرفتن مصالح خود از نظام اداره امور غربی تقلید و آن را کسی کنند فاجعه پایان ناپذیری رود رهیشان قرار خواهد گرفت. پس از بروز تغییرات

۶- توجه به وظایف نهاد مشاوره‌ای و مشورتی «مغز متفکر»

کشورهای در حال توسعه باید در فرایند جهانی شدن توجه زیادی به عملکرد افراد مستعد داشته و سازمان‌های اداره امور گوناگونی را برای علوم و مشاوره ایجاد کنند تا اطلاعات خارج از دولت گسترش یابد و اداره عمومی علمی‌تر، مردمی‌تر و قانونی‌تر شود. در عمل، دولت می‌تواند مراکز پژوهشی و سازمان‌های تحقیقاتی تأسیس کند تا به جمع آوری و تفکیک اطلاعات بپردازند و در تصمیم‌گیری‌های دولت نظر مشورتی ارائه کنند. مراکز پژوهشی می‌توانند از مؤسسات اجتماعی، دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها، کارشناسان، متفکران، نخبگان اجتماعی، و سازمان‌های غیر دولتی در تصمیم‌گیری‌های دولت استفاده کنند.

به طور کلی، بخش تصمیم‌گیری دولت باید به تمام دیدگاه‌های قابل قبول کارشناسان و متفکران احترام گذارد، آنها را پذیرد و از استعدادهایشان در جهت تضمین صحت و سودمندی تصمیمات و افزایش کارآئی دولت بهره گیرد.

جهانی شدن شمشیر دولتی

جهانی شدن شمشیری است دولتی، به این معنی که برای هر کشور سود و زیان‌هایی دارد. یکی از کارشناسان مجمع اقتصاد جهانی می‌گوید جهانی شدن موجی است عظیم که اگر موج سوار خوبی نباشد غرق خواهد شد؛ اگر کشورهای در حال توسعه با قاطعیت از فرصت‌های تاریخی استفاده کنند، با چالشها رو به رو شوند، از فرصت‌های طلایی در جهت تخصیص عوامل تولید در گستره جهانی بهره برداری کنند و منابع اقتصادی ملی خود را به حد کمال برسانند، توسعه اقتصادی، پیشرفت علوم و فناوری، و اداره امور عمومی کشورشان به ثمر خواهد رسید.

آغاز کرد از این نمونه است. این دخالت‌ها در امور داخلی دیگر کشورها روشی عملی نیست زیرا جهان به سوی چند قطبی شدن پیش می‌رود و شکست مجمع وزرای سازمان تجارت جهانی در سیاتل دلیلی بر این گفته است. لذا لازم است همه کشورها برای تنظیم مقرراتی جدید برای جهانی شدن مذاکره کنند.

سوم، جهان به سوی جهانی شدن و چند قطبی شدن پیش می‌رود که باهم تناقضی ندارد. جهان غنی و رنگارنگ است و تنوع آن باید محترم شمرده شود. تمامی کشورها حق دارند نظام‌های اجتماعی، راهکارهای توسعه، روش زندگی و نظام‌های اداره امور عمومی خود را مناسب با شرایط خود انتخاب کنند. امور مربوط به هر کشوری را باید مردم آن کشور تعیین کنند و موضوع‌های جهانی باید براساس منشور سازمان ملل متعدد تنظیم شوند. چنین امری با جهانی شدن مغایرت ندارد بلکه مکمل آن است. □

عمیق در اروپای غربی، فروپاشی اتحاد شوروی سابق و نظام یالتا، بسیاری از کشورها به تقلید از نظام اداره امور غربی پرداختند. در نتیجه، این کشورها به مدت زیادی با بی‌نظمی و بحران مواجه شدند که می‌توان از اقتصاد بیمار، اغتشاش اجتماعی، پایین آمدن استاندارد زندگی مردم و افزایش تبه کاری نام برد. چنین نتایجی باید عمیقاً مورد توجه قرار گیرد.

دوم، جهانی شدن باید امید و فرصت را برای کشورهای در حال توسعه به همراه بیاورد و توسعه اقتصادی و اجتماعی آنها را موجب شود. بنابراین، کشورهای توسعه یافته طلایه‌دار جهانی شدن نباید سیاست سلطه و قدرت را در دستور کار خود قرار دهد و نهادهای سیاسی، ارزش‌ها، ایدئولوژی و نظام‌های اجتماعی خود را بر کشورهای در حال توسعه اعمال کنند. آنها نباید از جهانی شدن برای سلطه جویی اقتصادی استفاده و در امور داخلی دیگر کشورها دخالت کنند و جهت انحصار طلبی خود به بهانه دفاع از حقوق بشر حاکمیت ملی دیگر کشورها را خدشه دار سازند. جنگ کوزوو که ناتو آن را

پی نوشت

این مقاله در اولین کنفرانس بین المللی منطقه‌ای موسسه بین المللی علوم اداری بلژیک ارائه شده است. کنفرانس مذکور از ۳۰ خرداد لغایت دوم تیر ماه ۱۳۷۹ در شهر بولونیای ایتالیا برگزار شده است که به علت مورد بحث بودن موضوع در ماههای اخیر این مقاله از بین مقالات دفتر برنامه‌ریزی مدیریت و ساختارها - سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور انتخاب گردیده است.